

آزادی

مسکن

کار

**حمایت از اعتصابات و مبارزات کارگران و اعلام
همبستگی با آنان وظیفه همه کارگران
وزحمتگشانی است که خواهان جامعه ای عاری
ازستم و استثمار و زور و سرکوب هستند.**



تشکیل جبهه انقلابی یک ضرورت اجتناب ناپذیر

نزدیک میشود و عیان شدن عمق فساد و خونریزی و بحران آفرینی آن در داخل و در سطح جهان خصوصا با بروز وقایع اخیر در منطقه، موجب شده که حتی دولتهای حامی هم در تداوم حمایت از آن دچار تردید شوند و به این نتیجه برسند که سرمایه گذاری روی این حکومت حکم شرط بندی روی اسب مرده را دارد.

نکته ای که همواره تکرار شده و باید تکرار شود این است که در بحران عمیق و لاعلاجی که اینک رژیم جانی جمهوری اسلامی با آن دست به گریبان است و قریب به اتفاق توده ها همانطور که در ۹۶ و ۹۸ نشان دادند خواهان سرنگونی و مرگ آن هستند و هیچ امیدی هم به تداوم خدمت و حفظ منافع سرمایه توسط رژیم وجود ندارد و تاریخ مصرف آن به پایان

قصه پر غصه مذهب و بخصوص تشیع . عامل فقر و فلاکت توده ها

کنکور امسال یکی از معضلاتی شده که به شدت بخش بهداشت حاکمیت را درگیر کرده و برگزار کردن یا برگزار نکردن آن بحث روزمره دست اندرکاران ستاد کرونا شده، امتحانات دو ساعته ای که میشود با رعایت فاصله ای مطمئن و به کار بست تمام امکانات بهداشتی با کمترین خطر برگزار شود، با مخالفت های بسیاری مواجه است و هنوز هم انجام آن قطعی نیست، ولی متأسفانه یکی از پست ترین و ردلترین روحانیون جهان تشیع به عنوان رئیس جمهور وقیحانه ندا سر میدهد و حکم میکند که مراسم عزاداری حسین باید با شکوه بسیار در تمام شهرها حتی شهرهای قرمز برگزار شود مراسمی که با انبوه جمعیت در قالب هیات و دسته های عزاداری در همه محلات آنهم به مدت حداقل ده شب برپا میشود که به هیچ صورتی حتی یک درصد امکان رعایت اصول بهداشتی وجود ندارد.

ادامه در صفحه ۴

با تمام توان و به هر طریق ممکن به یاری اعتصابیون بشتابیم!

در صفحه ۴

تفاهم نامه های بلند مدت با سایر دول و اهداف رژیم

ارتباطات سیاسی و اقتصادی از ابتدایی ترین اقدامات حاکمیتی هر رژیمی است که می بایست به منظور پیش برد رشد و توسعه اقتصادی و رفاهی جامعه اتخاذ کند و بالطبع در دولتی انقلابی که برخواسته از اراده و انقلاب کارگران و زحمتکشان و توده های مردم است تنها قانون و معیار برای برقراری روابط سیاسی و اقتصادی حتی در کوچکترین تفاهم نامه ها و قرار دادها حفظ منافع کارگران و زحمتکشان و بسط و تعمیق سوسیالیسم است . اما جمهوری اسلامی به دنبال چیست ؟

ادامه در صفحه ۳

شقایق های آمردادی

نمیدانست چند روز میگذرد چهار یا پنج روز، تاریک بود مدام تاریک بود در که باز میشد دو مرد قوی و سیاهپوش او را می کشاندند به اتاق بازجویی میبردند و باز مثل هر روز ضربه ها گیجش میکرد و درد، گزنده و تیز نیش میزد و سؤاها و تهدیدها که تکرار میشد، اسم رفقایت، محل قرار، حرف نزنمی زنده نیمیمانی، توبه نامه و قول همکاری، سه تا اسم بنویس زنده بمانی...

ادامه در صفحه ۶

شیرین فضیلت کلامها تنها یک نام

نیستند!

در پاسخ به یک « اعتراض صمیمانه »

صفحه ۹

تشدید بحران اقتصادی و ضرورت همبستگی کارگران

صفحه ۸

در گرامیداشت یاد و خاطره جانباختگان راه آزادی و سوسیالیسم

صفحه ۱۰

سرنگون باد جمهوری اسلامی، برقرار باد جمهوری فدراتیو شورائی!

تشکیل جبهه انقلابی یک ضرورت اجتناب ناپذیر

عملا به خنثی کردن و تحلیل بردن یک دیگر مشغولیم. همانطور که همیشه شعار داده ایم چاره کار وحدت و تشکیلات است اینک باید یابندی و باور خود را به کارگران و زحمتکشان به اثبات برسانیم به قول معروف رطب خورده منع رطب کی تواند! هنگامی که ما نمیتوانیم در درون جنبش کمونیستی به وحدت و انسجام برسیم چگونه انتظار داریم رهنمود ما به کارگران و توده های مردم در ایجاد کمیته ها و تشکل یابی و سازماندهی مورد توجه و استقبال قرار گیرد. میبایست با کنار نهادن همه تعلقات سازمانی و حزبی که در این سالها هیچ ثمری برای کارگران نداشته و با نگاه صرف به منافع طبقه کارگر و همه محرومان و ستمکشان، در این شرایط حساس وظیفه عاجل خود را به سازماندهی و وحدت حول جبهه ای انقلابی و اعلام حضور رسمی و علنی در بین آحاد جامعه، قرار دهیم، ما در داخل نیازمند ستادی رزمنده و متحد هستیم و به سهم خودمان برای تحقق آن آماده هر گونه همکاری خالصانه هستیم. تحقق این امر تنها سلاح قدرتمند طبقه کارگر در برابر قشون کشی گسترده سرمایه داری است. ما حق نداریم به خاطر خود خواهی ها و تعصبات خودمان صف انقلاب و اردوی کار و زحمت را از این سلاح کار آمد و قدرتمند محروم کنیم. این وظیفه تاریخی و طبقاتی ماست که عدول از آن در تاریخ به منزله پشت کردن به طبقه کارگر یاد خواهد شد.

صف قدرتمندی در برابر جمهوری اسلامی و تمامی جریانات جیره خوار و مزدور سرمایه تشکیل داده اند و عزم جزم کرده اند تا بنیاهای اجتماعی و اقتصادی و سیاسی سرمایه داری را مورد تهاجم قرار دهند چون به خوبی دریافته اند که ریشه درد کجاست اما عدم آشنایی و امید به علاج این درد و راه درمان آن نکته ایست که همواره اعتراضات توده ای را در حد تخلیه عصبانیت دوره ای تقلیل میدهد. این جاست که نقش ما به عنوان انقلابیون کمونیست اهمیت میابد، نقشی که در طی این سالها هیچگاه به خوبی ایفا نکردیم. باید این واقعیت را بپذیریم از درد صحبت کردن برای توده ها هیچ جذابیتی ندارد بلکه ملال آور است چون آنها درد را با پوست و گوشتشان حس میکنند، گوشه تشک ایستادن و رهنمود چگونه لنگ کردن دادن هم فقط بر خشمشان افزوده نه بر اعتبار ما، میبایست به عنوان نیروهایی که در گفتار و کردارمان راسخیم و هیچگاه از نبرد باز نیاستاده ایم در عرصه میدانی و با حضور در کنار و در همراهی با هر گامشان اعتبار و ارزش مان را زنده کنیم. این امر تک به تک و منفرد به هیچ وجه تحقق نخواهد یافت، باید در برابر وجدان خود معترف شویم که هیچ تشکلی به تنهایی توانایی تاثیر گذاری و هدایت ندارد و

ادامه از صفحه اول

...هرگونه مخالفت با امریکا که به دنبال تشدید فشار بر روی رژیم حتی تا سرنگونی اش است، صرفا برای امتیاز گیری و زد و بند در بالا است. رژیم هم این نکته را به خوبی درک کرده و میکوشد خود را برای روزهای سرنوشت ساز که با قیام عنقریب توده ها شکل خواهد گرفت آماده کند و تلاش برای کسب پول به هر طریق ممکن فقط برای حفظ مزدوران داخلی و منطقه ای خود برای ایستادن در برابر خروش گرسنگان است، حتی اگر لازم باشد سوریه دیگری بیافریند در انجام آن ذره ای درنگ نخواهد کرد. بورژوازی هم به جد با علم کردن جبهه ها و جریانات مختلف از مجاهدین گرفته تا سلطنت طلبان و شورای گذار و جمهوری خواهان و حتی با ماسک کمونیستی تحت نام مجعول کمونیست کارگری، در تدارک ایجاد جایگزینی برای جمهوری اسلامی است، جریاناتی که همه به نوعی از آبشخور دول امپریالیستی ارتزاق میکنند. آنچه در این میانه همواره نادیده گرفته میشود حضور توده ها و نقش تعیین کننده آنها است که گویی سفی و نابالغ هستند و نیاز به قیم دارند، مردمانی که به یکباره با سر دادن شعار اصلاح طلب اصول گرا دیکه تموم ماجرا سطح بالای آگاهی اجتماعی و سیاسی خود را نشان دادند و در صفحه شطرنج ایران به یکباره همه حتی کمونیستها را آچمز کردند. اینها همانهای هستند که بعد از چهل سال قتل و غارت و سرکوب و خفقان حماسه آبان ۹۸ را آفریدند و نشان دادند که به موقع از خجالت سرمایه داران و مزدوران و رژیم حامیاش بر خواهند آمد و هیچ موعظه اخلاقی و انسانی و حقوق بشری برایشان ارزشی ندارد، اینها همان گرسنگان و بابرهنه هایی هستند که به تنهایی

سازمان اتحاد فدائیان کمونیست برآن است که بدون تجهیز توده های کارگر و زحمتکش به سلاح آگاهی و تشکل، جنبشهای اجتماعی با خطرات زیادی مواجه بوده و خواهند بود. ما در پیگیری مشی انقلابی بنیانگذاران سازمان مبنی بر تلاش جهت رفع پراکندگی و ایجاد زمینه های نظری و عملی اتحاد نیروهای پیشرو جامعه از هیچ کوششی فروگذار نکرده و نخواهیم کرد. بویژه در شرایط کنونی اتحاد صفوف فدائیان کمونیست میتواند گام مهمی در راه وحدت و همکاری نیروهای انقلابی درون جامعه و نیز گامی در جهت اتحاد تمام نیروهای انقلابی و پیشرو جامعه در یک جبهه انقلابی باشد.

تفاهم نامه های بلند مدت با سایر دول و اهداف رژیم

... به گواه تاریخ چهل ساله رژیم ، معیار اصلی همه پیمان نامه ها و قرار دادهای در حلقه اول حفظ حاکمیت خونریز جمهوری اسلامی به هر قیمتی است که حتی به مانند سلاطین قاجار فروش و واگذاری بخشهایی از جغرافیای ایران را اقدامی طبیعی و حق خود میدانند و از اتخاذ آن ابایی نداشته اند و در تفاهم نامه ۲۵ ساله با امپریالیسم چین هم به راحتی جزیره کیش و بندر چابهار و بندر جاسک را در طبق اخلاص نهاده و پیشکش کرده اند . نکته اصلی این است توسعه و آبادانی و ارتقاء سطح معیشت و زندگی مردم هیچگاه دغدغه رژیم نبوده و در طی این سالها همواره بنا به خصیصه تجاری خود که خواستگاه و پایگاه جناح قالب آن بوده و هست به منافع آبی و سریع الوصول می اندیشد ، با درآمدهای سرشار نفتی خصوصا در دوره هشت ساله ریاست جمهوری احمدی نژاد که قیمت نفت افزایش عجیبی یافت و قریب به هزار میلیارد دلار که معادل درآمد حاصل از فروش نفت از ابتدای کشف آن تا سال ۸۴ - آغاز ریاست جمهوری احمدی نژاد - بود ، میشد ایران را از نوساخت و با توسعه صنایع و رشد تولیدات و ایجاد اشتغال رفاه و معیشت جامعه را به سطح جوامع اروپایی رساند ولیکن هیچ تحولی رخ نداد ، بر عکس بخش مهمی از این درآمد برای باندهای مافیایی جنایتکار رژیم به منظور بحران آفرینی و ایجاد آشوب در کشورهای منطقه صرف شد ، بخشی بین اعوان و انصار رژیم تخریب شد و میزان زیادی هم صرف واردات کالاهای مصرفی از خودرو گرفته تا سنگ پا و سنگ قبر و خوراک سگ و گربه و فولاد و لوازم بدکی و شکر و پارچه و شد فی المثل میل گرد واردتی از چین با محاسبه هزینه تولید و حمل نقل از چین تا

بندر ایران و تا تهران ارزاتر از میل گرد تولید داخل به مصرف کننده ارائه میشود ، به یکباره بعد از برجام خودرو سازهای فرانسوی و چینی به مثابه لاشخورانی آماده با انبوه خودروهای در انبار مانده راهی ایران شدند . آنچه این درآمدها نجومی به بار آورده بر شدن حسابهای بانکی و رشد روز افزون زندگی اشرافی و لاکچری تجار و دلان به همراه گسترش بیش از پیش بیکاری و فقر و فحشا وسخت شدن تامین ابتدایی ترین نیازهای معیشتی توده ها بوده . ناکفته نماند در سالیهای نکبت بار حیات رژیم تنها بخشی که بی واسطه به امنیت و اقتدار رژیم در داخل و منطقه مرتبط است ، رشد کرد ، صنایع نظامی و موشکی است که رژیم هم به لحاظ کیفیت و هم به لحاظ کمیت در این نوع فعالیتها رشد چشمگیری داشته است . اینک که جمهوری اسلامی در بحرانی ترین و حساسترین لحظات عمر خود قرار دارد و مرگ محتوم خود را به وضوح مبیند و به قول نوبخت کفگیرش به ته دیگ خورده تنها به فکر کسب پول و تامین مالی خود است حتی اگر لازم باشد نفت را با تخفیف ۳۲٪ به همراه کیش و چابهار و جاسک تقدیم چین کند . البته از آنجا که سرمایه به جایی میرود که ثبات سیاسی و اقتصادی حاکم باشد و سود آن تضمین شود ، وضعیت رژیم که روز به روز به بی ثباتی و ورشکستگی کامل نزدیک میشود و هیچ امیدی به آینده برایش متصور نیست طبعا جذابیتی برای سرمایه های چینی ندارد و متن قرار دادی که دو سال پیش لاریجانی در سفر غیر منتظره اش به چین بر روی میز گذاشت تاکنون با برخورد سرد آنها مواجه شده و علیرغم هوجبگری های مقامات رژیم از جانب چینی ها باز تابی نداشته است .

کارگران و زحمتکشان . جوانان

آگاه و مبارز

زمان سازمانیابی و برخاستن

فرار سیده است.

تحقق آزادی و برابری ، از بین بردن بیکاری و فقر و فساد و فحشا ، رفع معضل کار کودکان ، پایین بودن دستمزدها ، مشکل بیمه و بازنشستگی ، حل بحران آب و خشک شدن دریاچه ها ، نابودی جنگلها و محیط زیست ، حتی تامین ابتدایی ترین نیازهای روزانه زندگی، مانند آب آشامیدنی وووو فقط با سرنگونی انقلابی رژیم پلید جمهوری اسلامی میسر خواهد بود . تمام جناحها و ارگانهای حاکمیت در یک چیز با هم متحدند، حفظ جمهوری اسلامی و سرکوب هر حرکت اعتراضی که بقاء آن را تهدید کند و در وقایع ماههای اخیر به خوبی آن را نشان دادند . باید متحد و یکپارچه با گسترش تظاهرات و برپایی اعتصابات گسترده و سراسری حاکمیت را فلج کنیم . اینک رژیم در ضعیفترین شرایط اقتصادی و سیاسی عمر خود قرار گرفته ، تنها راه تحقق همه مطالبات، اعتراضات گسترده خیابانی و اعتصاب عمومی و تعرض به بنیانهای اقتصادی و سیاسی رژیم است . برچیدن بساط این رژیم فاسد و جنایتکار و بدست گرفتن قدرت توسط کارگران و زحمتکشان تنها راه رهایی از گرسنگی و فقر و بیخانمانی و استبداد است . و این ممکن نیست جز با متشکل شدن و پیوند خوردن با کمیته ها و هسته های نیروهای انقلابی در شهرها و محلات و با سازماندهی و متمرکز عمل کردن ، است.

با تمام توان و به هر طریق ممکن به یاری اعتصابیون بشتابیم

کارگران، زحمتگشان، دانش جویان و جوانان آگاه و مبارز

بیش از پنجاه روز است که کارگران اعتصابی هفت تپه سانت به سانت شهر شوش را برای دادخواهی و استیفای حقوق شان پیموده اند و رژیم جنایتکار و فاسد جمهوری اسلامی بدون کمترین اعتنایی آنها را به حال خود رها کرده که از سر یاس و استیصال به شکست و پایان اعتصاب تن دهند اما اینک که کارگران نفت و پتروشیمی در هفت شهر به همراه کارگران هپکو و کارخانجات بسیار دیگر دست به اعتصاب زده اند و رگ حیات رژیم را مورد تهدید قرار داده اند رژیم پیمانک از این که دامنه این اعتصابات گسترش یافته و سراسری گردد به تهدید روی آورده و قرار گاه خاتم اعلام کرده نیروهای پیمانی خود را در پتروشیمی ها به کار خواهد گرفت، بر ماست که با تمام توان و به هر طریق ممکن به یاری اعتصابیون بشتابیم و حداقل صدای آنها در داخل و خارج باشیم تا این رژیم هار و درنده به راحتی نتواند به سرکوب اعتصابیون متوسل شود. اکنون بعد از چهل سال کارگران و پیشروان آنها باید دریافته باشند که رژیم جمهوری اسلامی به هیچ وجه حاضر نیست حتی برای کارگران قائل باشد رژیم متعهد شده کارگزاران در اختیار سرمایه داران قرار دهد و با جدیت به تعهد خود عمل کرده، ایجاد کار قراردادی حتی قرارداد سفید امضا، واگذاری به کارگزاران کارگران به پیمانکارها، از شمول قانون کار خارج کردن کارگاههای زیر ده نفر، عدم پرداخت حق بیمه و سنوات و سایر مزایای ناچیز قانون کاری به کارگران قراردادی زیر سه ماه، برقراری روش ضد کارگری برای تعیین دستمزد سالانه موکول به توافق هیات سه نفره نمایندگان کارفرما و دولت و کارگران، افزایش ساعات کار با همان پایه حقوق بخصوص در مناطق جنوبی کشور و..... و اکنون بعد از چهل سال وضعیت به گونه ای شده که کارگران برای ابتدایی ترین خواسته خود که چیزی جز پرداخت حقوق معوقه نیست دست از کار کشیده اند و این رژیم پلید حتی انجام این خواسته را هم نمی پذیرد، میلیاردها دلار و تومان تقدیم امثال اسد بیگی ها میشود میلیاردها یورو امثال اشرفی ریاحی ها از پتروشیمی به جیب میزنند، میلیاردها دلار در آمد حاصل از نفت و پتروشیمی صرف ارادل و اوباش رژیم در سوریه و لبنان و یمن و عراق وووو میشود ولی دو سه میلیون دستمزد بخور و نمیر کارگری که زیر آفتاب طاقت فرسا و سوزان جنوب کار میکنند ماهها پرداخت نمیگردد و هر گونه اعتراضی به این ظلم و بی عدالتی را بیشتر مانع تحت عنوان اقدام علیه امنیت ملی به راحتی سرکوب میکند. طی این چهل سال رژیم با همه اعتراضات صنفی کارگران برخورد سیاسی و امنیتی کرده و به هیچ کدام از خواسته های کارگران تن نداده اکنون که در بحرانی ترین شرایط حیات ننگین خویش قرار دارد و به افلاس و ورشکستگی کشیده شده است، فقط به بقاء خود به هر قیمتی فکر میکند. اینک زمان آن رسیده که کارگران دریابند بدون اتحاد و تشکل و تداوم مبارزه حتی تحقق ابتدایی ترین حقوق شان یعنی مزد کار روزانه شان، از این رژیم فاسد قابل ستاندن نیست و تنها با برجیدن بساط این رژیم، تنها با سرنگونی جمهوری اسلامی ممکن است، اینک زمان آن رسیده با اعتصابات سراسری بنیانهای رژیم را نشانه بگیرند و فریاد مرگ جمهوری اسلامی با تمامی جناحها و جیره خورانش را سر دهند و عناصری را که همچنان با طرح فقط خواسته های صنفی و محدود کردن اعتراضات در حد ستاندن این خواسته در صفوف کارگران سعی در بی اثر کردن و کاستن خطر اعتصاب سراسری برای سرمایه داری و رژیم منفور کارگزار آن دارند، طرد و افشا کنند عناصری که همچنان بعد از تجربه چهل ساله بر طبل فقط فعالیتهای سندیکایی، نه بیشتر، میکوبند جیره خواران سرمایه داری در صفوف کارگران و زحمتگشان هستند آنها را از خود برانید. تنها با اتحاد و همبستگی در صفوف خود و پیوند با انقلابیون کمونیست قادر خواهید بود بساط ظلم و بی عدالتی سرمایه داری را برجیده و آزادی و برابری و رفاه را برای خود و خانواده ها یتان و بالطبع همه مردمان این سرزمین تضمین کنید.

سرنگون باد رژیم ددمنش جمهوری اسلامی

زنده باد جمهوری فدراتیو شورایی

زنده باد سوسیالیسم

سازمان اتحاد فداییان کمونیست

کمیته ایالتی تهران ۱۶/۵/۹۹

قصه پر غصه مذهب و بخصوص تشیع ، عامل فقر و فلاکت توده ها

ادامه از صفحه اول

... اینکه شکوه راه اندازی این کارناوالها برای کسی که قرنهای پیش به طمع کسب قدرتی که ارث خود میدانسته در اوج رفاه و تمکن راهی شده تا با کمترین ریسک و خطر آن را به چنگ آورد و هیچگاه قصد جنگ نداشته ، در کجاست معلوم نیست . (مقایسه کنید با شکوه و عظمت و بزرگواری اقدام هزاران زن و مردی که نه برای کسب پست و مقام و جلال و جبروت بلکه فقط بخاطر آزادی و برابری و عدالت برای همه مردم و برچیدن بساط استبداد جان خود را فدا کردند که حسین و حسینها یک بند انگشت آنها هم نمیشدند) فقط از این نمود کلاهی فراهم شده تا بر سر توده ها گذاشته شود و مشتی اوباش و انگل و سربار اجتماع تحت نام واعظ و منبری و مداح از قبل آن ارتزاق کنند و بر کرده محرومان و تهیدستان جامعه سوار شوند و در پیوند تنگاتنگ با حاکمان وقت قرنهای پایه های تمامی رژیمهای فاسد و جنایتکار را در جامعه محکم کنند و اینک که

خود بر اریکه قدرت تکیه زده اند و معجزات مذهب را با تمام وجود لمس کرده اند که چگونه در هر شرایط نابسامانی به دادشان رسیده است هیچگاه نخواهند گذاشت این معجزات متوقف شود . به قول جلاد کبیر «یوم الله عاشورا است که اسلام را زنده نگاه داشته» و اسلام سفره رنگینی گسترانیده تا این جانواران به دریدن و ارتزاق مشغول

باشند پس «باید عاشورا زنده نگاه داشته شود» حتی به قیمت بیمار شدن و مرگ انسانهای بسیار ، رژیمی که پایه های آن بر خون بنا نهاده شده از کشتن به هر شکل ابایی ندارد ، چه باک که این خون در راه حسین باشد ! و چندین شبانه روز فوجی از جمعیت را به خود مشغول کند تا پشت بند آن اربعین برسد و رژیم مدتی فرصت یابد تجدید قوایی کرده و جانی بگیرد . هر چند همه گیری کرونا عملاً بنیانهای نظام فاسد و رو به اضمحلال سرمایه داری از یک سو و شارلاتانیسم مذهبی را که جهان را ملک طلق خدا میداند ، از سوی دیگر به چالش کشیده ، این متشرعان و قیح برای دفع بلا نازل شده از طرف خدای رحمان ورحمیشان !! نسخه دعای هفتم صیغه سجادیه را تجویز میکنند تا باورهای ارتجاعی و قرون وسطایی مذهبی و شیعی را نجات دهند و با تأسف بسیار شاهدیم جریانات شارلاتانی که مدعی کمونیسم واقعی هستند و فقط به کسب قدرت آنهم به هر قیمتی می اندیشند و بدین منظور میکوشند با هوجبگری

دل همه را به دست آورند و نماینده همه اقشار جامعه باشند ، جار میزنند و اسلام را به اسلام سیاسی و غیر سیاسی تقسیم میکنند در حالیکه هر گاه دین از حریم خانه خارج شد و منادی و متولبی برای خود یافت در خدمت حکام قرار گرفت . به قول مارکس « مذهب خوشبختی تخیلی مردم است و از بین بردنش به مثابه مطالبه خوشبختی واقعی است » و این مطالبه ایست که در حال حاضر سرمایه داران با همکاری آیات اعظام و علمای اعلام مانع تحقق آن هستند . اینک وقت آن رسیده است چشم باز کنیم و ببینیم چگونه در طول تاریخ منادیان دین و مروجان تشیع که تا مغز استخوان از فاسدترین و رذل ترین عناصر اجتماع بوده اند دنیا را برای خود برداشته اند و آخرت را برای توده ها ساخته اند ، وقت آن رسیده تا گریبان خود را از این توهمات بنده پرور رها کنیم و ریشه حیات ننگین جمهوری اسلامی را بخشانیم .

مسعود ۱۱/۵/۹۹

کارگران و زحمتکشان :

طرح خواسته های صنفی و مبارزه برای تحقق آن را به مبارزه علیه کلیت نظام جمهوری اسلامی پیوند زنییم می بایست با طرد عناصر مزدور رژیم از صفوف خود با بایکوت کردن ارگان های مزدور پرور رژیم با حمایت از اقدامات اعتراضی دیگر کارگران و پیوستن به صفوف آنها این خیزش ها را به قیامی بزرگ بر علیه رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی مبدل کنیم . اتحاد و همبستگی کارگران تنها سلاح برنده بر علیه فقر و بیکاری . بر علیه ستم و استثمار سرمایه داران . علیه حاکمیت سرمایه داری و برای تحقق آزادی و برابری تحقق سوسیالیسم است .

شقایق های اُمردادی



ادامه از صفحه اول

... درد مفهوم دیگری یافته بود، رگ و پی اش را از هم میدرید، اما هیچ قدرتی نداشت، خط می انداخت برجانش، شیار درست میکرد و عمق میافت اما سکوت درد را شکست میداد، از دهان و گلویش خون فوران میکرد و موزائیک ها رنگی میشد، رنگ طوسی و چرک مرده موزائیک ها زیر خون روشن و گرم گم میشد و از هوش میرفت و باز کشیده میشد روی موزائیک ها... چند ساعتی بعد کف سلول به هوش آمد، اینبار اما احساس کرد که کج شده است، تن اش و پاهایش در راستای هم نبودند، حرکتی به دستش داد، درد مثل رعد تا مغزش را سوزاند، به پاهایش دست زد حسشان نمیکرد، کف سلول افتاده بود و گویی هزار تن بار روی تنش بود، هر لحظه هزار سال شده و مرگ روی شانه اش نشسته و لبخند میزند، زهرخندی کنج لبش نشست و سعی کرد بفهمد که چند روز شده، چهار یا پنج روز، از وقتی که آمده سلول و اتاق بازجویی تکرار شدند و تکرار و هنوز محاکمه ای در کار نبوده... و باز کلید چرخید، سکوت ترک برداشت، درد گزید و درید تن و جانش را، چشم گشود، نوری بی رمق از در باز دوید وسط سلول و پهن شد، بوی عطر مشهدی و گلاب بینی اش را آزد، بازوهایش را گرفتند و روی زمین کشیدند، موزائیک های طوسی چرک مُرد از پی هم میرفتند، به روشنایی اتاقی رسیدند، یک میز، یک صندلی، روی صندلی نشاندند، کج بود، افتاد، دوباره نشاندنش، کمرش خم نمیشد،

افتاد و باز نشاندند شد،

- بنویس، آخرش است به درک میروی
یک میز چوبی کوچک، یک خودکار،
یک کاغذ سفید، کاغذ را کنار زد روی
میز پر از نوشته هایی بود که سعی شده
پاک شود، اما ردش مانده بود بس که
نوک خودکار را فشار داده بودند، کنج
بالای میز گوشه راست اریب نوشته شده
بود " ما به مرگ خود آگاهیم "، وسط
میز کسی با تمام توان خودکار را فشار
داده و نوشته " فرصت تمام شد هراسی
نیست "، و باز کسی نوشته بود "
نترس رفیق ما ادامه میابیم " لبخندی
کنج لبش نشست و درد مثل مار از کمر
تا گردنش خزید، انگشتانش به خود کار
نمی چسبید هر کدام به سمتی خم بودند
مثل خطوط شکسته، با تمام توان تلاش
کرد خود کار را روی کاغذ بلغزاند " به
پدر مادر و همه عزیزانم امیدوارم
همیشه خوش باشید سلام مرا به همه
برسانید " - مرداد ۶۰

قطره های عرق سرد که از درد روی
پیشانیش بود روی کاغذ چکید، خودکار
را روی کاغذ گذاشت و از روی صندلی
افتاد، دستها دوباره کشیدندش این بار به
سمت حیاط، صدای اذان در حیاط پیچیده
بود، مردی آن دورتر در خنکای صبح
دم مرداد وضو میگرفت و نهال کوچکی
در باغچه باریک کنار دیوار در سکوت
نوید تداوم زندگی میداد، به تیرکی بسته

شد، نیم ایستاده، تا شده، به سختی.

ایستاد در برابر گلوله هایی که قرار بود
شیران هایش را بدرند، گلوله هایی که
درون تنگ به صف ایستاده بودند تا
بافت نرم تنش را بدرند و درون آن خانه
کنند، و بافت نرم تنش هنوز از شکاف
هیچ فلزی پاره نشده بود، خون در قلبش
میچرخید و به سرش میدوید و نمی
دانست چند ثانیه بعد قرار است از
شیاری، از سوراخی، فوران کند و زمین
سردی را گرم کند و خاک بیرنگ را
سرخ و جاری شود در تاریخ .

- این آخرین فرصت است مینویسی ؟
اسم و ادرس

سکوت لبانش را نوازش کرد و لبخندی
گرم کنج لبش خانه کرد

- آماده آتش

تنش سوخت مثل وقتی که زیر آسمان
تابستان خوابیده ای، گرم خواب و باران
قطره قطره پوست داغت را سوزن
میزند، تنش سوخت و همه تصاویر،
خاطره ها، دردها و شادیها در او
خاموش شد، تنش سوخت و خون ره
گرفت و جاری شد و در میان همه راهها
و سیاهی ها رد سرخی ابدی را بر جای
گذاشت.

شیرین



تشدید بحران اقتصادی و ضرورت همبستگی کارگران

تشدید بحران اقتصادی و فسادگسترده صاحبان قدرت و ثروت و افزایش قیمت مایحتاج عمومی، فشار اقتصادی بر کارگران و بخش وسیعی از حقوق بگیران جزء را افزایش داده است. هر روز بخشی از صنایع و مراکز تولیدی با بحران توقف تولید مواجه میشوند. دولت و کارفرماها اولین کاری که میکنند، پرداخت نکردن حقوق کارگران و اجرای سیاست اخراجهای دسته جمعی است و علاوه بر آن، از انجام سایر تعهدات خود در برابر نیروی کار نیز سرباز میزنند.

اکنون این بحران دامن صنایع نفت و پتروشیمی را هم بمثابة شریانیهای حیاتی رژیم دربر گرفته است و کار بجائی رسیده است که حتی از پرداخت بموقع حقوق و دستمزد کارگران این بخشها نیز عاجز شده اند. در نتیجه کارگران پالایشگاههای آبادان، پارسین و قشم همراه با کارگران شرکت پتروشیمی لامرد و کارگران دو فاز پارس جنوبی روز شنبه در اعتراض به پرداخت نشدن دستمزد و مزایای خود بصورت هماهنگ دست به اعتصاب و تجمع و تظاهرات زدند و اعلام کرده اند که تا تحقق خواست ها و مطالباتشان به اعتصاب و اعتراض ادامه خواهند داد. این اعتصاب در حالی شروع شده است که اعتصابات و اعتراضات کارگران نیشکر هفت تپه وارد پنجاهمین روز خود شده است و هنوز به مطالبات و خواسته هایشان پاسخی داده نشده است.

طی دوده این اولین اعتصاب هماهنگ این بخش از صنایع نفت و پتروشیمی محسوب میشود که از موقعیت حساسی برخوردار است. هر چند که بخش اعظم این اعتصابیون را کارگران پیمانکارها تشکیل میدهند که تاکنون با قراردادهای برده گونه این کارگران را استثمار کرده و از آنها بهره کشی نموده اند و اکنون باجیب های پر پول از پرداخت حقوق و دستمزد کارگران خودداری میکنند. اما نباید فراموش کرد که این شتر، دیروپا زود، در خانه کارگران رسمی شرکت نفت و پتروشیمی نیز خواهد خوابید و آنها اگر امروز از اعتصاب و خواسته های همکاران و هم طبقه ای های خود پشتیبانی نکنند، فردا مجبور به پرداخت هزینه بیشتر خواهند شد و از این رو ما ضمن پشتیبانی از اعتصابات کارگران نفت و پتروشیمی از همه کارگران رسمی این صنایع نیز دعوت میکنیم دست از کار کشیده و به این اعتصابات بپیوندند و از همکاران خود پشتیبانی بکنند.

اکنون در شرایطی قرارداریم که کارگران باید متحد شوند و از مبارزات و خواست ها و مطالبات همدیگر پشتیبانی بکنند و به سرمایه داران و دولت اجازه ندهند تا میان آنها اختلاف و جدائی افکنده و در انفراد اعتصابات کاری، اهداف ضد کاری خود را پیش ببرند. حمایت از اعتصابات و مبارزات کارگران و اعلام همبستگی با آنان وظیفه همه کارگران و زحمتکشانی است که خواهان جامعه ای عاری از ستم و استثمار و زور و سرکوب هستند.

پیروزی اتحاد و مبارزه کارگران اعتصابی صنایع نفت، پتروشیمی، نیشکر هفت تپه ...

شورای مرکزی سازمان اتحاد فدائیان کمونیست دوازدهم مرداد ماه ۹۹

کارگران و زحمتکشان :

مبارزه برای خواست های عمومی دموکراتیک و پیش برد پیگیر و رادیکال آن، از مبارزات طبقه کارگر برای آزادی و برابری جدائی ناپذیر است، به این منظور طبقه کارگر میباید ضمن حفظ استقلال طبقاتی خود به سازماندهی خواسته های عمومی، دموکراتیک در سطح وسیعتری اقدام کند و بسهم خود در جهت وحدت بخشیدن به این مبارزات در اشکال خاص خود، نظیر جبهه مبارزه برای آزادیهای دموکراتیک و اتحاد عمل های مقطعی و سازماندهی نشریات و تشکل های دموکراتیک کوشش کند.

کمونیستی. پس عملاً امکان استفاده از اسم های واقعی برای نوشته ها به دلایل امنیتی و پلیسی میسر نیست. اما انتخاب این اسم از جانب من آنگونه که منتقد ما استدلال می کند نه برای گمراه کردن خواننده و واداشتنش برای خواندن مطلب نیست. این نشریه (راه سرخ) بصورت سنتی چاپ و پخش می شود و همزمان در سایت های اینترنتی هم توسط رفقای ما باز نشر می شود و مخاطبین خود را دارد و دلیلی برای واداشتن دیگران برای خواندن مطلب نیست، البته هدف یک نوشته تبلیغ، ترویج و آگاهی رساندن است اما نه به هر بهایی، علی الخصوص به بهای باز تولید آنچه خود ما بر علیه آن مبارزه می کنیم، یعنی گمراه کردن و یا عامیانه تر بگویم کلاه سر مخاطب گذاشتن. بعلاوه ما در دنیای مجازی فعالیت نمی کنیم تا خواننده را به شیوه های رایج در شبکه های اجتماعی که منتقد ما اشاره میکند وادار بخواندن و دیدن نوشته هایمان کنیم.

دوست گرامی و منتقد ما اینگونه بیان میکند که: «استفاده از نام کامل افراد حقیقی تاریخ معاصر، کاری ست کاملاً نادرست (گرچه به نیت یادبود آنان باشد). نادرست است چرا که خوانندگان را (یا دست کم بسیاری شان را) گیج می کند. برای نمونه خود من، با ذوق و شوق شروع به خواندن مطلب کردم، چرا که مطمئن بودم در جایی از دست به قلم بودن «شیرین فضیلت کلام» یاد نشده است، چه رسد به این که در مورد هنر نوشته ای داشته باشد». در اینجا باید مکتی کرد، انتخاب نام رفقای که بزرگترین سرمایه زندگی شان یعنی جانشان را فدای آرمان های والای انسانی کردند تنها به نیت یاد بود این رفقا نیست چرا که به اشکال گوناگون میشود یاد این رفقا را گرامی داشت. شیرین فضیلت کلامها تنها یک نام



شیرین فضیلت کلامها تنها یک نام نیستند! در پاسخ به یک «اعتراض صمیمانه»

ساعت چشمه ای از آن بروز میکند، نباید نادیده گرفت.

با این مقدمه کوتاه به اصل موضوع می پردازم. من در شماره قبلی نشریه راه سرخ اسم «شیرین فضیلت کلام»، نخستین رفیق زن کمونیست در ایران، که در زیر شکنجه مزدودران رژیم ستم شاهی جانش را فدای راه آزادی و برابری کرد، را بعنوان اسم مستعار در زیر مقاله ام تحت عنوان «سیر دیگر گونه هنر در عصر ما» انتخاب کرده بودم که موجب انتقاد یکی از دوستان در باز نشر نوشته ام در دنیای مجازی شده است. بدین منظور توضیحاتی در این خصوص را لازم میدانم تا با توجه به انتقاد این دوست گرامی، دلایل انتخاب نام شیرین فضیلت کلام برای سایر مخاطبین نشریه نیز مشخص شود.

بدوش شک همگی بر این موضوع واقف هستیم که فعالیت و مبارزه در داخل کشور در شرایطی که سیر و محافظ طبقه سرمایه دار یعنی رژیم ارتجاعی و آزادی گش جمهوری اسلامی هرگونه صدای مخالفی را به شدیدترین شیوه سرکوب می کند چه خطراتی در بر دارد، دیگر چه برسد به مبارزه سازمان یافته در یک سازمان

در برهه ای از تاریخ معاصر، جنبش کمونیستی ایران در بحران عجیبی درگیر رخوت و سکوت گورستانی شده بود که بی شباهت به کما رفتن نبود و علت و چگونگی آن نیز در این جا مطرح نیست فقط همواره باید تاکید کرد که تنها شوک حماسی گونه پیشتازان جنبش نوین کمونیستی ایران در بهمن ۴۹ به این کما پایان داد و فصلی نو از حیات را به این جنبش بخشید. اینک این جنبش سالهاست با بحران دیگری به مراتب حادثر و دردناکتر درگیر است. معضل امروزه بخشی از فعالان جنبش «کمونیستی ایران پر حرفی و بی عملی وحشتناکی است که فضای مجازی زمینه رشد و گسترش آن را بیشتر فراهم کرده است، به برکت فضای مجازی همه صاحب نظر و تئورسین شده اند و به راحتی لمیده در محیط دلنشین منزل با یک گوشی زمین و زمان را جابه جا میکنند همه گروهها و افراد را نقد میکنند، برای همه تعیین خط می کنند و بعد از ساعاتی مبارزه لایکی با صرف شامی دلپذیر به بستر میروند تا برای روزی دیگر و ادامه مبارزه! آماده شوند. البته در این بین نقش مخرب جریاناتی را که میکوشند با خلق مفاهیم من در آوردی که هر روز و هر

**شیرین فضیلت کلامها تنها یک نام نیستند !
در پاسخ به یک « اعتراض صمیمانه »**

بیا بیرون رفیق!

خطر کن

با پول خُردی که دیگر پول نیست

با جای خوابی که زیر باران است

و با کازت که فردا از دستش خواهی داد

پا به خیابان بگذار!

بجنگ !

برای صبر کردن

خیلی دیر شده است.

به یاری ما بیا

تا به خود کمک کرده باشی.

همبستگی کن!

بیا بیرون رفیق

در برابر اسلحه‌ها

از دستمزدت دفاع کن!

اگر پی ببری که چیزی برای باختن نداری

پلیس‌ها اسلحه کم خواهند آورد!

پا به خیابان بگذار!

بجنگ !

برای صبر کردن

خیلی دیر شده است!

به یاری ما بیا

تا به خود کمک کرده باشی.

همبستگی کن!

برتولت برشت

رشته جامعه‌شناسی تحصیل کرده بود و به همراه رفقا مرضیه احمدی اسکویی، یوسف کیشی‌زاده و فرزاد کریمی مسئولیت محفلی در آذربایجان را نیز عهده‌دار بود و مهمتر از آن در بخش انتشارات سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران نیز فعالیت داشت گزارشی «فرار از محاصره خانه تیمی خیابان سلیمانیه» را رفیق شیرین بعد از آنکه بهمراه رفیق حمید اشرف حلقه محاصره ساوک را شکستن به تحریر در آورد. پس اگر در این خصوص انتقادی صورت میگیرد فقط به استفاده از نام کامل باید باشد نه پرداختن و به زیر سوال بردن توانائی‌های صاحب اصلی نام.

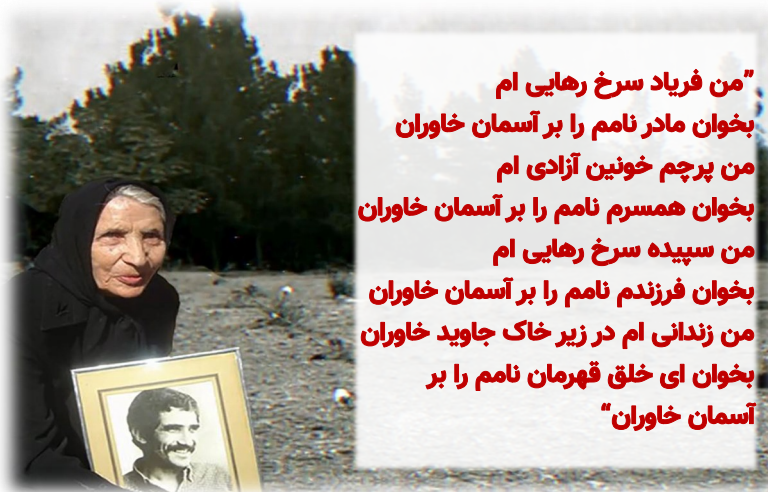
دست آخردگر این نکته را نیز لازم میدانم، آنچه در حال حاضر جنبش کمونیستی ایران را تهدید میکند تکرار نام رفقای فدایی نیست بلکه حذف و مخدوش کردن چهره و نام پیشتازان جنبش کمونیستی ایران و تلاش مذبحخانه‌عنصری است که میکوشند جنبش کمونیستی را از عرصه میدانی به جنبشی «هشتگی» بدل کنند که در گوشه‌خانه‌هایمان به آن سرگرم باشیم. باید از این تلاشها که به منظور ایجاد آشفتگی فکری و از درون تهی کردن کمونیستها صورت میگیرد نگران بود. باتشکر از توجه تان به مقاله و انتقادی که مطرح کردید.

شیرین

نیستند که وقتی در زیر یک نوشته به عنوان امضا قرار میگیرند چنانچه منتقدمان مینویسد «خوانندگان را (یا دست کم بسیاری شان را) گیج کند» بلکه شیرین فضیلت کلامها به مثابه رود خروشان هستند که در بستر تاریخ معاصر ایران جاری شده اند و همواره خس و خاشاکی را که میکوشند به طرق مختلف چهره این رود زلال را مکدر کنند از سر راه به کناری خواهند زد. هدف اصلی ترویج اندیشه و آرمانی است که نام این رفقا معرف آن است و من با قرار دادن نام رفیق شیرین فضیلت کلام (معاذ) یکی از پیشتازان جنبش نوین کمونیستی ایران، در انتهای مطلب خود این نکته را یادآوری کردم که فدایی رودی است جاری که هیچ مانعی نمیتواند سد راه آن گردد، من و هم نسلهای من «جویبارهای خرد باریکی» هستیم که علیرغم سانسور، خفقان و موانع بیشمار به امواج بی پایان این رود میبوندیم تا هستی مان تلاشی باشد برای خروشان تر شدن این رود.

با این وجود بنظر من انتقاد دوست گرامی از زیادت آوردن نام و نام فامیلی این عزیزان یکجا و بعنوان نام مستعار، ممکن است ابتدا این تصور را بوجود بیاورد که مقاله و یا نوشته متعلق به آن رفیق جانباخته است، لذا با پذیرش این انتقاد از این پس هر وقت که لازم باشد از نام «شیرین» استفاده خواهیم کرد تا باعث «گمراه سازی خواننده» نشود.

اما لازم به ذکر میدانم که «مطمئن بودن» منتقد ما از دست به قلم نبودن رفیق شیرین فضیلت کلام اشتباه و نادقیق است! رفیق شیرین انقلابی بود که علاوه بر معلمی در



”من فریاد سرخ رهایی ام
 بخوان مادر نامم را بر آسمان خاوران
 من پرچم خونین آزادی ام
 بخوان همسر نامم را بر آسمان خاوران
 من سپیده سرخ رهایی ام
 بخوان فرزندم نامم را بر آسمان خاوران
 من زندانی ام در زیر خاک جاوید خاوران
 بخوان ای خلق قهرمان نامم را بر
 آسمان خاوران“

گرامی باد یاد و خاطره جانباختگان راه آزادی و سوسیالیسم

زندانیان سیاسی در تاریخ معاصر ایران همواره شاهد ددمنشی ها و جنایات بسیاری از سوی حکام بوده ولیکن کشتار تابستان ۶۷ در زندانهای جمهوری اسلامی از برجستگی و اهمیت خاصی بر خوردار است . آنچه در تابستان ۶۷ رخ داد یک انتقام گیری و تسویه حساب گسترده از شریفترین و پاکترین زنان و

مردان این سرزمین بود که بعد از اعدامهای ۶۰ و ۶۱ و ۶۲ به هیچ روی قصد سرخم کردن در برابر رژیم را نداشتند و در وضعیت رخوت باری که بر جامعه حاکم بود عملا زندانها را به کانون ایستادگی و مقاومت به هر شکل ممکن در برابر استبداد حاکم بدل کرده بودند .

تابستان ۶۷ اوج مظلومیت شریفترین زنان و مردان این سرزمین اسیر در چنگال اوباشان جنایتکار جمهوری اسلامی بود که در نهایت سفاکی و رذالت به فرمان خمینی جلاد توسط عناصر پلیدی چون پور محمدی و اشراقی و نیروی در بیدادگاه های قرون وسطایی با چند سوال ساده گروه گروه به جوخه های تیر باران و طنابهای دار سپرده شدند در حالیکه خواسته ای جز آزادی و برابری و عدالت ، جز نابودی استبداد و فقر و فحشا نداشتند . رژیم هزاران نفر را قربانی کرد به این امید که حیات ننگین خود را تداوم بخشد ، در سکوت و رخوتی که بر جامعه حاکم بود و از این کشتار تاثیری نپذیرفت ، این امید چندان هم غیر واقعی نبود سی و دو سال دیگر به غارت و چپاول و کشتار به خرابی و ویرانی طبیعت و اقتصاد و فرهنگ این سرزمین ادامه داده اند . مرگ جمهوری اسلامی تنها راه برچیدن زندانهای مخوف و پایان این همه شکنجه و کشتار است .

رفقا و مبارزین راه آزادی و برابری ، نشریه « راه سرخ » صدای بی صدایان و منعکس کننده مبارزات کارگران و زحمتکشان و فعالین کمونیست داخل کشور میباشد. از طریق ایمیل زیر گزارشات ، نظرات و پیشنهادات ارزشمند و انتقادات سازنده خود را با ما در میان بگذارید و ما را در بالا بردن کیفیت نشریه و انجام وظایف انقلابی مان یاری رسانید.

Rah_sorkh@yahoo.com

تماس با سازمان اتحاد فدائیان کمونیست

روابط عمومی سازمان
webmaster@fedayi.org
 کمیته آذربایجان
azar@azarfedayi.org
 کمیته تهران
Tehran@fedayi.org
 کمیته کرج
karaj@fedayi.org
 کمیته کردستان
kurdistan@fedayi.org

کارگران پیشرو و مبارز!

با سازماندهی کمیته های مخفی کارخانه. هسته های سرخ و با تلفیق فعالیت علنی و مخفی به توده کارگران در جهت ایجاد شکل های مستقل و تحقق خواستهای فوری شان یاری رسانید.

آخرین اطلاعیه ها . نشریات و اسناد سازمان اتحاد فدائیان کمونیست را در سایت <https://fedayi.org> و همچنین کانال تلگرامی <https://t.me/fedayi1349> دریافت کنید .

کار، مسکن، آزادی، جمهوری فدراتیو شورائی!